

اثر تنظیم کننده‌های رشد گیاهی بر عارضه پژمردگی و خشکیدگی خوشه، عملکرد، وزن و اندازه میوه خرماي کبکاب در استان بوشهر

محمود ایزدی و وحید روشن سروسناني^۱

۱- به ترتیب اعضای هیات علمی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان بوشهر و

موسسه تحقیقات خرما و میوه‌های گرمسیری کنور

بدون شك خرما از مهم ترین محصولات کشاورزی کشور محسوب می‌شود؛ که در مناطق وسیعی از جنوب کشورمان کشت و پرورش می‌یابد. بر اساس آمار منتشره استان بوشهر با بیش از ۵/۵ میلیون اصله نخل و سطح زیر کشت حدود ۳۴ هزار هکتار از نظر میزان تولید و سطح زیر کشت به ترتیب رتبه چهارم و سوم را در کشور به خود اختصاص داده است. عارضه پژمردگی و خشکیدگی خوشه در سالیان اخیر از عمده ترین مشکلات موجود در تولید این محصول در استان کرمان (جیرفت)، بوشهر، هرمزگان و خوزستان می‌باشد. این عارضه همزمان با افت ناگهانی رطوبت نسبی هوا، افزایش دما و وزش بادهای گرم و خشک اتفاق می‌افتد و خسارت شدیدی به محصول نخیلات وارد می‌سازد. این عارضه بصورت ناگهانی و خیلی سریع باعث پژمرده شدن و در نهایت خشک شدن حبه‌های خرما در مرحله تبدیل خلال به رطب می‌گردد. به منظور بررسی اثرهای چند تنظیم کننده رشد گیاهی روی عارضه پژمردگی و خشکیدگی این آزمایش در سال‌های ۸۲-۱۳۸۱ در قالب طرح بلوک‌های کامل تصادفی با ۹ تیمار و ۴ تکرار در استان بوشهر اجرا گردید. تیمارهای اعمال شده عبارتند از: ۱- اسید جیبرلیک (۱۰۰ و ۱۵۰ میلی گرم در لیتر) ۲- اتفن (۳۰۰ و ۴۰۰ میلی گرم در لیتر) ۳- بنزیل آدنین (۱۰۰ و ۲۰۰ میلی گرم در لیتر) ۴- نفتالین اسید استیک (۵۰ و ۱۰۰ میلی گرم در لیتر) ۵- شاهد

نتایج حاصله از تجزیه آماری نشان داد که اثر تنظیم کننده‌های رشد بجز بر عملکرد بر سایر صفات (شدت عارضه، وزن، طول و قطر میوه) و اثر سال بر تمامی صفات اندازه گیری شده در سطح ۱٪ معنی‌دار بوده است. اثر متقابل سال و تیمار بر هیچ کدام از پاسخ‌های گیاهی معنی‌دار نبوده است.